

ليکونکی : مارتين دی کارو «Martin Di Caro» .  
منبع اود خپريدو نيته : ريسپونسيبل ستيت گرفت «23-02-2026»  
ژباړونکی : پوهندوی دوکتور سيدحسام «مل» .

---



## پوتين په حقيقت کي څه غواړي؟

*What does Putin really want?*

د روسیې او اوکراین څلور متخصصین مور ته وایي چې ایا کوم څه بدل شوي دي ځکه چې جگړه پنځم کال ته ننوځي پرته له حل څخه

*Four Russia-Ukraine experts tell us if anything has changed as war enters its fifth year without resolve*

\*\*\*\*\*

ح می دانیم که  
دی، گنجینه و  
کسی تصور

و با ادامه نبردها بر سر انبوهی از آوار، علل جنگ، که در ابتدا در ذهن‌ها نقش بسته بود، ممکن است از آگاهی عمومی محو شود. به نظر می‌رسد بحث بر سر علل و ریشه‌ها، اهمیت کمتری نسبت به لزوم غلبه یا بقا، و بیرون کشیدن چیزی ارزشمند از ویرانی دارد.

پس از چهار سال نبرد تقریباً بی‌وقفه، روسیه تمام دونباس را فتح نکرده است. دستاوردهای ارضی ناچیز با چنان هزینه‌ای به دست آمده است که اکنون تلفات از جذب نیرو بیشتر است. هیچ یک از طرفین به پیشرفت نظامی دست نیافته‌اند و به نظر نمی‌رسد که هیچ یک در آستانه فروپاشی نظامی یا سیاسی باشند.

علاوه بر این، پاسخ به سوالات مهمی که در ماه‌های اولیه این جنگ فرسایشی بی‌پایان مطرح شد، همچنان دشوار است. بنابراین، دو طرف فقط در خطوط مقدم شرق اوکراین گرفتار نیستند. حرکت قابل توجهی در مورد موانع صلح پایدار صورت نگرفته است. از چندین متخصص خواستم تا در مورد اینکه رهبر مستبد روسیه پیروزی را چگونه تعریف می‌کند - اهداف پوتین چیست؟ همچنین، اینکه آیا ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، باید از مخالفت خود با واگذاری قلمرو ملی دست بردارد، اوکراین در ازای چنین امتیازی چه چیزی ممکن است دریافت کند، و پیامدهای آن برای «نظم مبتنی بر قانون» چه خواهد بود، اظهار نظر کنند.

### **نیکولای پترو، دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه رود آیلند و پژوهشگر ارشد واشنگتن**

**در موسسه صلح و دیپلماسی** شرایط صلح پوتین از زمان شروع جنگ ثابت بوده است. آنها عبارتند از: (۱) یک اوکراین بی‌طرف و غیر هسته‌ای که بخشی از هیچ اتحاد نظامی نباشد؛ (۲) یک اوکراین غیرنظامی؛ (۳) یک اوکراین عاری از نازی. کنترل روسیه بر کریمه، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا برای روسیه غیرقابل مذاکره است، اگرچه این امر نیازی به رسمیت شناختن رسمی توسط اوکراین ندارد، تا زمانی که نیروهای خود را از این مناطق خارج کند.

هر طرف - اوکراین، روسیه، آمریکا و اروپا - سعی خواهند کرد توافق نهایی را به نفع سیاست داخلی خود تغییر دهند. برای روسیه، پیروزی کامل به معنای دستیابی به هر سه هدف خواهد بود. هر چیزی کمتر از این به عنوان یک پیروزی جزئی (اما همچنان ارزشمند) برای روسیه و به عنوان شکست روسیه توسط غرب تلقی خواهد شد.

در هر مذاکره‌ای که شایسته این نام باشد، شرایط قابل قبول توسط طرفین مذاکره تعیین می‌شود. دخالت اشخاص ثالث فقط مذاکرات مستقیم را پیچیده می‌کند. همچنین، از آنجایی که تبادلات ارضی پس از جنگ‌ها امری عادی است، من هیچ پیامدی برای حقوق بین‌الملل یا هرگونه «نظم مبتنی بر قوانین» نمی‌بینم. هرگونه تغییر ارضی به سادگی بخشی از نظم جدید می‌شود.

## سرگئی رادچنکو، مورخ دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌المللی جان هاپکینز و نویسنده کتاب «برای اداره جهان».

در اینجا دو مسئله وجود دارد که منجر به تفسیرهای کاملاً متفاوتی از آنچه پوتین به دنبال آن است، می‌شود. یکی این است که پوتین اساساً به دنبال بازسازی منطقه مند است و اگر او کراینی‌ها این سرزمین را رها کنند، جنگ با نوعی آتش بس پایان می‌یابد. اما تفسیر دیگری نیز وجود دارد. یعنی پوتین نه تنها سرزمین، بلکه کنترل سیاسی خود اوکراین را نیز می‌خواهد. به این معنا، تا زمانی که واقعاً به آن نقطه نرسد، جنگ را پایان نخواهد داد.

یا می‌توانید از دیدگاه پوتین به این موضوع فکر کنید. او به قلمرو علاقه‌ی شدیدی دارد زیرا کنترل بر اوکراین را بخشی از تصویر روسیه از خود به عنوان یک امپراتوری بزرگ می‌داند. او در تلاش است تا عظمت روسیه را بازگرداند. اینجاست که هیچ توافقی در مورد اهداف پوتین وجود ندارد.

اوکراینی‌ها بیش از حد به وعده‌ی تضمین‌های امنیتی غرب اعتماد کرده‌اند. غرب حاضر نبوده است برای جنگ با روس‌ها نیروی زمینی اعزام کند. و تصور اینکه در آینده حاضر به انجام این کار باشد، حماقت است. من اصلاً نمی‌بینم که ایالات متحده چیزی را تضمین کند، اگرچه ترامپ در مورد تضمین‌هایی به سبک ماده‌ی ۵ ناتو صحبت کرده است. به سختی می‌توانم باور کنم که این تضمین معتبر باشد.

بنابراین، چه چیزی می‌تواند امنیت اوکراین را تضمین کند؟ پاسخ، ارتش خود اوکراین است. در مذاکرات استانبول در سال ۲۰۲۲، نکته‌ی مورد اختلاف این بود که اوکراین پس از درگیری چه نوع ارتشی خواهد داشت. روس‌ها سعی کرده‌اند آن را محدود کنند زیرا می‌دانند که این تضمین واقعی امنیت اوکراین است.

### دکتر سومانترا مایترا، عضو ارشد مرکز نوسازی آمریکا

ولادیمیر پوتین هنگام شروع درگیری، در محاسبه عزم اوکراین اشتباه کرد، اما اکنون که وارد شده است، دو چیز می‌خواهد. اول، دور نگه داشتن اوکراین از ناتو. این هدف، هدف دائمی استراتژی بزرگ روسیه است، یعنی ایجاد یک منطقه حائل بین ناتو و روسیه. به همین دلیل، او مایل به ادامه درگیری است، زیرا از برتری عددی برخوردار است و می‌داند که ناتو مستقیماً به جنگ علیه روسیه نخواهد پیوست.

روش جنگی روسیه کاملاً در راستای اهداف پوتین نبود، زیرا ارتش روسیه قادر به عملیات نظامی مشترک خوبی علیه اوکراین نیست و اقتصاد روسیه در حال رقابت با قدرت عظیم کشورهای اروپایی و ایالات متحده است. با این اوصاف، او می‌تواند به دستاوردهای کوچک و تصادفی خود ادامه دهد زیرا از نظر تعداد نفرات برتر است و اوکراینی‌ها از فرار از خدمت و نیروی انسانی کم رنج می‌برند. اگر این روند ادامه یابد،

ممکن است در سناریوی جنگ جهانی اول با فروپاشی سریع خطوط اوکراینی مواجه شویم.

اوکراین حداقل باید مرزهای فعلی را به عنوان خط مرزی بین‌المللی در نظر بگیرد. هر دو طرف باید در مورد یک روز آتش بس تصمیم بگیرند و سپس نیروها را پنج مایل عقب بکشند و اساساً یک منطقه مرزی مشا به جنگ کره ایجاد کنند. سپس مذاکرات می‌تواند ادامه یابد. اگر این اتفاق نیفتد، طرف آمریکایی باید تهدید کند که از مذاکرات خارج می‌شود.

نظم مبتنی بر قانون هرگز منظم و مبتنی بر قانون نبوده است و ما اکنون به دنیای امپریالیسم، حوزه‌ها، فتوحات و قدرت‌های بزرگ بازگشته ایم. این نتیجه واقعیت‌های ساختاری، مانند چندقطبی بودن، شکاف نسبی قدرت بین قدرت‌ها، پیشرفت فناوری و تسلط تهاجمی بر فضای نبرد، و نخبگان مازادی که شغل ندارند و به پوپولیسم دامن می‌زنند، است.

## نیکلاس گوسداف، عضو ارشد امنیت ملی در موسسه تحقیقات سیاست خارجی

از زمان انقلاب نارنجی ۲۰۰۴، پوتین در آنچه از اوکراین "می‌خواهد" ثابت قدم بوده است: دولتی در کیف که پذیرای منافع روسیه باشد. این خواسته‌ها شامل اوکراینی است که زیرساخت‌ها یا پرسنل ناتو را در خاک خود مستقر نکند، قابلیت‌های اعمال قدرت روسیه را در دریای سیاه و منطقه بزرگتر مدیترانه به خطر نیندازد، مانع توانایی روسیه برای دستیابی به بازارهای جهانی بزرگتر نشود، و مهمتر از همه، اوکراینی که مانعی برای جدا کردن خود از فضای بزرگتر جهانی روسیه ایجاد نکند.

آنچه در طول سال‌ها تغییر کرده است، تاکتیک‌ها است، از حمایت از ویکتور یانوکوویچ و حمایت از نیروهای سیاسی داخل اوکراین گرفته تا تصرف کریمه و تلاش برای تحمیل یک توافق قانون اساسی به اوکراین، تا توسل به درگیری مسلحانه در مقیاس بزرگ. از سال ۲۰۲۲، روش‌های روسیه تغییر کرده است، از تلاش برای یک کودتای مؤثر گرفته تا تلاش برای جدا کردن جنوب شرقی اوکراین، و اکنون درگیر شدن در یک جنگ فرسایشی به این امید که اوکراین برای حفظ بقیه کشور، توافقی را بپذیرد. اما او پیروزی را به عنوان برآورده کردن این شرایط کلی تعریف خواهد کرد. بسیاری از دورهای مذاکرات روشن کرده است که اوکراین آماده پذیرش کل این برنامه نیست. اجرای ناهماهنگ "قوانین" از قبل پوچی این مفهوم را آشکار کرده است. آنچه من اغلب از طرف‌های "جنوب جهانی" می‌شنوم این است که بخش عمده‌ای از بقیه جهان از قبل به اختلاف بین ادعاهای قانونی و واقعیت‌های عملی عادت کرده‌اند. چیزی که من در روند مذاکرات دیده‌ام، تلاشی برای یافتن پوششی برای پوشاندن این شکاف است. در یک مقطع،

پیشنهادی برای "فروش" کریمه به روسیه توسط اوکراین مطرح شد. اکنون ما ایده‌هایی در مورد مناطق ویژه اقتصادی غیرنظامی به عنوان راهی برای آشتی دادن ادعاهای آشتی‌ناپذیر روسیه و اوکراین داریم. در این راستا، چگونگی ادامه مدیریت چالش کشمیر توسط هند و پاکستان می‌تواند راهنمایی مفیدی ارائه دهد.

### **سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:**

مارتین دی کارو مارتین دی کارو روزنامه‌نگار مستقل ساکن واشنگتن دی سی و مجری پادکست «تاریخ همانطور که اتفاق می‌افتد» است.

..... **با تقدیم احترام** «2026-03-06»

.....